

بررسی فرانش‌های اندیشگانی و متنی ترجمه سوره مُلک

خدیجه بهرامی رهنما*

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۲۲

چکیده

رویکرد نقش‌گرا، ابزاری برای انتقال معنی و برقراری ارتباط میان افراد جامعه است. از نظریه‌پردازان آن، می‌توان به مایکل هلییدی اشاره کرد که آرای او، متکی بر عناصر زبانی است تا صورت آن‌ها. ساختار متن قرآن کریم، به گونه‌ای است که می‌توان آن را، از زوایای مختلف از جمله رویکرد نقش‌گرا مورد تحلیل قرار داد. بنابراین، جستار حاضر سوره مبارکه ملک را، بر اساس نظریه هلییدی مورد بررسی قرار داده است. این تحقیق، با روش توصیفی-تحلیلی، مسأله انواع فرآیندها، آغازگرها و انسجام متنی را در سوره ملک مورد تحلیل قرار داده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که در فرانش اندیشگانی، فرآیند مادی، بیش‌ترین فرآیند بکار رفته در متن است که خداوند با توصیف نظام شگفت‌انگیز خلقت در صدد بوده است تا انسان، به قدرت و علم او پی ببرد. آغازگر ساده، آغازگر غالب بکار رفته در این سوره است و اغلب بندها نیز، دارای آغازگر بی‌نشان هستند. از میان آغازگرهای مرکب نیز، آغازگر بینامتنی، بیش‌ترین بسامد را در این سوره داراست.

کلیدواژگان: فرانش اندیشگانی، متن، انسجام، واژگان، دستور.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

هلیدی از پیشگامان نظریه نقش‌گرا است. او، زبان را مجموعه‌ای از نشانه‌های دارای معنی می‌داند که به وسیله آن می‌توان، از سطح نحوی جمله‌ها فراتر رفت و به عوامل شکل‌گیری بافت و زبان متن دست یافت. هلیدی معتقد است: «ساختار زبان، ارتباط تنگاتنگی با کاربرد آن دارد. او، زبان را نوعی مطالعه فرآیند ارتباط می‌داند که میان تجلی روستاختی نقش‌های زبان و چارچوب اجتماعی و فرهنگی آن، رابطه متقابل وجود دارد» (Halliday, 1978: 39).

هلیدی رویکرد خود را نقش‌گرا می‌نامد، «زیرا بر اساس چگونگی کاربرد زبان طراحی شده است. هر متنی خواه گفتاری، خواه نوشتاری در بافت کاربردی مفهوم خود را باز می‌یابد. علاوه بر این، کاربرد بیش از ده‌ها هزار نسل در طی اعصار تاریخ، این نظام را به وجود آورده و برای ارضای نیاز انسان به تدریج رشد کرده است. پس، بر اساس نقشی که در ارتباط با نیازها ایفا می‌کند، سازماندهی شده است» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۸۸). هلیدی در دستور نقش‌گرای نظام‌مند، به ۳ سطح یا ۳ لایه معنایی اندیشگانی، بینافردی و متنی اشاره کرده است که با استفاده از آن مدل، می‌توان نظام معنایی و بافت هر متنی را مورد بررسی قرار داد. در فرانش اندیشگانی، تجربیات بیرونی و درونی انسان و شیوه تفکر او بازنمایی می‌گردد. هلیدی، در فرانش بینافردی بر «برقراری، استمرار، تثبیت و تنظیم روابط اجتماعی و تعامل افراد در یک ارتباط زبانی تأکید دارد» (Halliday, 2004: 53). فرانش متنی نیز، مرتبط با ساخت متن است. بنابراین متن باید «اطلاعات جدیدی داشته باشد، و اگر خواننده اطلاعات جدیدی از متن کسب نکند، چنین متنی از شایستگی متنیت بهره‌مند نیست. بنابراین، پیام درون متن، حداقل باید قابل درک باشد و اگر خواننده نتواند، اطلاعات نهفته در متن را دریابد، چنین متنی را، نمی‌توان متن دانست» (Halliday & Hassan, 1976: 36).

آرای هلیدی، قابل انطباق با هر متنی از جمله قرآن کریم است. تحقیق حاضر، از میان سوره‌های مختلف قرآن، سوره ملک را، بر اساس نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی مورد تحلیل قرار داده است. این پژوهش از میان ۳ لایه معنایی فوق، فقط به بررسی دو فرانش اندیشگانی و متنی ترجمه سوره ملک پرداخته است. با بررسی‌های انجام شده،

در میان آیه‌های سوره ملک، انسجامی بی‌بدیل و اندام‌وار وجود دارد که می‌توان بر پایه نظریه هلیدی، فرانش اندیشگانی، آغازگرهای متنی و ابزارهای آفریننده انسجام این متن را در کنار علت‌ها و معلول‌هایی که در پی یکدیگر ذکر شده‌اند، مورد بررسی قرار داد و به انسجام و پیوستگی بالای این متن دست یافت.

سؤال‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

- با توجه به انواع فرآیندهای اندیشگانی، مشخصه سبکی سوره ملک چیست؟
- بسامد وقوع هر یک از آغازگرها، چه تأثیری در متنیت سوره ملک داشته است؟
- کدام عناصر، در انسجام متنی سوره ملک موثر واقع گشته‌اند؟

پیشینه بحث

از پیشگامان نقش‌گرایی می‌توان به فرث (*Firth*)، هلیدی (*Halliday*)، ریچاردز (*Richards*)، لیچ (*Leech*)، تامپسون (*Thompson*)، هریس (*Harris*)، هاپر (*Hopper*)، نونن (*Nunan*) و حسن (*Hassan*) اشاره کرد که با رویکرد زبان‌شناسی، به بررسی متون ادبی پرداخته و رستاخیزی در مطالعات بین‌رشته‌ای ایجاد کرده‌اند. مایکل هلیدی و رقیه حسن (۱۳۹۳) در کتاب «زبان، بافت و متن»، ترجمه محسن نوبخت، به بررسی انواع فرانش‌های اندیشگانی، بینافردی و متنی پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند که هر متنی، برای خودش یک بافت دارد و ویژگی بارز متن، پیوستگی است که متن را یکپارچه می‌سازد و سهم مهم در پیوستگی یک متن را، متعلق به انسجام می‌دانند و سپس، به بررسی عوامل انسجام‌ساز یک متن پرداخته‌اند.

فردوس آفاگل‌زاده (۱۳۹۴) در کتاب «تحلیل گفتمان انتقادی»، به معرفی و مقایسه رویکردهای نقش‌گرایی و تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته است. تا کنون مقاله‌های بسیاری در این زمینه به رشته تحریر درآمده است که از میان آن‌ها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ایشانی و نعمتی. (۱۳۹۲)، «بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»: نتایج تحقیق، بیانگر آن است که درصد انسجام و پیوستگی در سوره صف، بیش از پنجاه است و بین زنجیره‌ها نیز، هیچ شکافی وجود ندارد.

اورکی و همکاران. (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی انسجام متنی در سوره ناس و ترجمه فارسی آن بر پایه نظریه انسجام متنی هلیدی و حسن»: دستاورد پژوهش عبارت است از آنکه، ضمن وجود تفاوت‌ها و شباهت‌ها در کاربرد عوامل دستوری و واژگانی، هر دو متن سوره ناس و ترجمه آن، انسجام بیش‌تری دارند و بیش‌ترین عناصر انسجامی، عناصر واژگانی است.

اعلائی و همکاران. (۱۳۸۹)، «بررسی تبادل معنا در کتاب‌های درسی علوم انسانی در چارچوب دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی از منظر فرانش بینافردی»: نتیجه بدست آمده بیانگر آن است که نویسندگان با استفاده از جمله‌های خبری در بسامد بالا، فقط به ارائه اطلاعات پرداخته است و این امر موجب می‌شود، تعامل دو سویه رخ ندهد و نویسندگان به هدف خود دست نیابند.

عزیزخانی و همکاران. (۱۳۹۶)، «کاربرد دستور نقش‌گرای هلیدی بر سوره انشراح»، در فرانش تجربی، فرآیند مادی بیش‌ترین بسامد را به خود اختصاص داده است. در فرانش بینافردی، وجه اخباری و زمان ماضی برجسته شده و در فرانش متنی، اطلاع شناخته شده و قدیمی بیش‌ترین بسامد را داراست.

با بررسی‌های به عمل آمده، تحقیقی منطبق با تحقیق حاضر یافت نشد. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای، روش تحلیل داده‌ها، کیفی و تا حدی کمی و روش استدلال، استقرایی (از جزء به کل) است. ترجمه سوره مبارکه ملک، از محمد مهدی فولادوند است. این تحقیق، از میان آرای مختلف هلیدی، به بررسی دو فرانش اندیشگانی و متنی ترجمه سوره ملک پرداخته است.

فرانش اندیشگانی

فرانش اندیشگانی، به توصیف حالت‌ها و حادثه‌های گوناگون می‌پردازد و نیز، «ناظر بر تجربه سخن‌گویان از جهان بیرون و درون زبان است. این نقش، درک و دریافت ما را از واقعیت و تجربه ما را سازمان‌بندی می‌کند و چگونگی نگرش ما را به جهان رقم می‌زند و از تجربه آدمی، از جهان واقع سخن می‌گوید» (Halliday & Mattiessen, 2004: 529). فرانش اندیشگانی، ابزار مهمی در تعیین سبک گفتمان یک روایت است. زیرا «مفهوم

سبک به معنی یک انتخاب از میان گزینه‌های بالقوه موجود در زبان و مبین انگیزه‌های نویسنده است. نکته مهم آن است که نظام‌گذاری، امکان‌پذیرش نظام‌مند را به دست می‌دهد. پس، بررسی آن، روشی کارآمد در سبک‌شناسی متون و روشن ساختن انگیزه‌های نویسنده است» (Simpson, 2004: 22-26).

هلیدی در تحلیل بندها، زیر شاخه‌هایی را برای فرانش اندیشگانی قائل است؛ او، انواع فرآیندها را به ۳ فرآیند اصلی، شامل مادی، ذهنی و رابطه‌ای و ۳ فرآیند فرعی، شامل رفتاری، کلامی و وجودی تقسیم می‌کند که در زیر به بررسی هر یک از آنها پرداخته‌ایم.

۱. فرآیند مادی (material process)

این فرآیند، بیانگر تجربه‌های رخداد‌های جهان بیرون هستند و «به اعمال فیزیکی اطلاق می‌شود که بر انجام کاری یا رخداد واقعه‌ای دلالت دارند. فعل‌هایی مانند اِتِّفاق افتادن، ساختن، خلق کردن، نوشتن، رنگ کردن، باز کردن، رفتن و... در فرآیندهای مادی به کار می‌روند» (Halliday & Mattiessen, 2004: 179-190).

۲. فرآیند ذهنی (mental process)

این فرآیند، بیانگر رخدادها و حالت‌های درون ذهنی است. «این فرآیند شامل؛ ادراک، احساسات، شناخت و واکنش‌های ذهنی هستند. این فرآیند، نه کنشی را بیان می‌کند و نه وقوع حادثه بیرونی را نشان می‌دهد، بلکه بیانگر حالات درونی مانند خواستن، متنقّر بودن و... است» (Halliday & Mattiessen, 2004: 210).

۳. فرآیند رفتاری (behavioral process)

این فرآیند، حدّ واسط میان فرآیندهای ذهنی و مادی است و «دربرگیرنده رفتارهای روان‌شناسی فیزیکی مانند خوابیدن، سرفه کردن، لبخند زدن و... هستند» (Eggs, 2007: 233).

۴. فرآیند وجودی (existential process)

این فرآیند، در مرز میان فرآیندهای رابطه‌ای و مادی قرار می‌گیرد و «بیانگر وجود چیزی یا وقوع حادثه‌ای هستند. از آنجا که این فرآیندها می‌توانند، اتفاق و یا حادثه‌ای را بیان کنند، نزدیک به فرآیندهای مادی و از سویی دیگر، چون بیانگر وجود یا بودن چیزی هستند، به فرآیندهای رابطه‌ای شباهت دارند. این فرآیند با فعل‌هایی همچون وجود داشتن، باقی ماندن و... همراه است» (Bloor & Bloor, 1997: 256).

۵. فرآیند کلامی (verbal process)

این فرآیند، در مرز میان فرآیندهای ذهنی و رابطه‌ای است و «فعل‌های مربوط به «گفتن» را در بر می‌گیرد» (Thompson, 2004: 100).

۶. فرآیند رابطه‌ای (relational process)

فرآیندهای رابطه‌ای، فرآیندهای مربوط به «توصیف یا شناسایی هستند و متضمن وجود فعل‌های تأکیدی یا فعل‌هایی هستند که روابط موقعیتی یا ملکی دارند» (تولان، ۱۳۸۶: ۲۰۱).

فرانقش متنی (textual metafunction)

فرانقش متنی، مکمل دو فرانقش اندیشگانی و بینافردی است. این فرانقش «ساز و کارهایی در اختیار دارد که متنیت متن را رقم می‌زند» (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۲۸) و به وسیله این فرانقش می‌توان، به شکل‌گیری زنجیره‌های موجود در یک گفتمان دست یافت. هر متنی، یک بافت به حساب می‌آید. فرانقش متنی، تحلیل معنا در ساخت متن است. هر متن، شامل مجموعه‌ای از بندهاست. بندها، واحد معنایی بزرگ‌تر از جمله هستند که وظیفه افاده معنا را در متن بر عهده دارند. هلیدی، فراکارکرد متنی را به «دو ساخت متمایز ساختاری «مبتدا- خبری» و یک بخش غیر ساختاری، یعنی «انسجام» تقسیم کرده است» (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۵۵-۵۶). ساخت مبتدا- خبری که از دو

بخش مبتدا (theme) یا آغازگر و خبر (rheme) یا پایان‌بخش تشکیل می‌شود، «ساختی گوینده محور است» (Halliday, 2004: 299).

ساختاری - انواع آغازگرها

۱. آغازگر ساده

«هرگاه آغازگر، فقط از یک عنصر ساختاری و یا یک واحد تشکیل شده باشد، ساده است. در این حالت، آغازگر شامل؛ یک سازه یا یک گروه اسمی، قیدی و حرف اضافه‌ای است. اگر آغازگر، بیش از یک گروه یا عبارت باشد، به گونه‌ای که این عناصر، با هم یک سازه را تشکیل دهند، این آغازگر نیز ساده نامیده می‌شود. این نوع از آغازگرها، ترکیبی از دو یا چند گروه هستند که با استفاده از حروف ربط یا اضافه شکل می‌گیرد و گروه یا عبارت مرکب را به وجود می‌آورد و یا اینکه به صورت بدل هم دیده می‌شوند» (Halliday & Matthisen, 2004: 68).

۲. آغازگر مرکب

گاه در جایگاه آغازگر، عناصری در کنار یکدیگر دیده می‌شود که دارای لایه‌های معنایی تجربی، بینافردی یا متنی است. «در این حالت، آغازگر را آغازگر مرکب می‌خوانند. این نوع آغازگر، بیش از یک سازه دستوری دارد و قابلیت تجزیه به سازه‌های کوچک‌تر یا عناصر زبانی دیگر را دارد. به عبارت دیگر، اگر اولین سازه آغاز کننده بند، به تنهایی مشارک، افزوده حاشیه‌ای یا فعل اصلی باشد، آغازگر ساده است. اما اگر پیش از آن عناصری از فرانش‌های بینافردی و متنی یعنی غیر تجربی بیاید، آغازگر مرکب محسوب می‌شود» (ibid:79). عناصر بینافردی عبارت‌اند از «۱. آغازگر ندایی (vocative) که اغلب برای اسم‌های خاص و خطاب قرار دادن به کار می‌روند ۲. آغازگر وجه‌نما (modal adjunct) که بیانگر نظر و عقیده نویسنده یا شاعر است. واژه‌هایی از قبیل احتمالاً، سرانجام، حالا، بی‌شک، صادقانه، شخصاً و... آغازگر وجه‌نما محسوب شده‌اند ۳. آغازگر زمان‌دار که شامل فعل‌های کمکی برگرفته از مصدرهای توانستن، بایستن، شدن و خواستن هستند. عناصر متنی نیز به ۳ دسته تقسیم می‌گردد: ۱. آغازگر

تداومی (continuative) ، مفهوم تداوم را بیان می‌کند و در زبان فارسی، شامل واژه‌هایی مانند: بله، خب، آهان، اما و... می‌باشد ۲. آغازگر ساختاری (conjunction) که همواره در آغاز بندها قرار می‌گیرند و میان بندها، پیوند برقرار می‌سازند. مانند: و، یا، اما، هنوز و... ۳. افزوده ربطی (conjunctive adjunct) یا همان نقش‌نمای گفتمان است که هدف از آن گروه‌های قیدی یا حرف اضافه‌ای هستند که هر بند را با بندهای پیشین مرتبط می‌کنند» (ibid: 79-81).

۳. بندهای بی‌نشان (unmarked clause) و نشان‌دار (marked clause)

یکی دیگر از مواردی که هلیدی برای آغازگرهای متنی در نظر می‌گیرد، آغازگرهای «نشان‌دار و بی‌نشان» است. «در زبان علم، اصطلاح بی‌نشان در معنای متداول و رایج است که در برابر اصطلاح نشان‌دار، به معنای غیر مرسوم به کار رفته است. حالت بی‌نشان، ترتیب عناصر سازنده جمله‌های خبری در متون علمی زبان فارسی، فاعل (محدوف یا آشکار)+مفعول+فعل است. بنابراین در زبان فارسی، در جمله‌های خبری، هر گاه آغازگر جمله با فاعل دستوری یعنی نهاد منطبق باشد، بی‌نشان محسوب می‌شود، در غیر این صورت، نشان‌دار است» (اعلایی، ۱۳۸۸: ۹۶).

غیر ساختاری - انسجام (cohesion)

انسجام به معنی یکپارچگی، پیوستگی و هماهنگی است و به وحدت و ارتباط منطقی میان کلمه‌ها و بندهای یک متن گفته می‌شود. اصطلاح «انسجام»، برای نخستین بار، توسط مایکل هلیدی و رقیه حسن در کتاب «انسجام در انگلیسی» مطرح گشت. آن‌ها «انسجام را یک مفهوم معنایی می‌دانند که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می‌کند و شناسایی متن از غیر متن را میسر می‌سازد» (Halliday & Hassan, 1976: 4). هلیدی، انسجام را به دو دسته واژگانی و دستوری تقسیم می‌کند که هر یک دارای زیر شاخه‌هایی است؛ انسجام واژگانی (cohesion lexical)، شامل باهم‌آیی (collocation) و بازآیی واژگانی (reiteration) و نیز، انسجام دستوری، شامل حذف (ellipsis)، جانشینی (substitution) و ادات ربط (conjunctions) است.

تحلیل داده‌ها

فرانش اندیشگانی

۱. فرآیند مادی

فرآیند مادی، پر بسامدترین فرآیند بکار رفته در این سوره است. خداوند با توصیف نظام شگفت‌انگیز خلقت از جمله آفرینش آسمان، ستارگان، زمین، پرندگان، زمین، آب‌ها، گوش، چشم و دل در صدد بوده است تا انسان به درکی عینی و ملموس از قدرت خداوند دست یابد و شکرگزار او باشد و نیز، بر حشر انسان در روز قیامت تأکید فراوان دارد. در این سوره، به مجازات کافران در جهنم اشاره شده است که ارائه این تصویرها، جز در سایه فرآیندهای مادی امکانپذیر نیست. فرآیند مادی، ۳۰ مرتبه در این سوره، بسامد داشته است. این فرآیند، با فعل‌هایی چون؛ پدید آورد و بیافرید، در آیه‌های زیر به کار رفته است:

همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان

نیکوکارترید و اوست ارجمند آمرزنده (۲)

همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید، در آفرینش آن [خدای]

بخشایشگر هیچ گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی، باز بنگر آیا خلل [و

نقصانی] می‌بینی؟ (۳)

فرآیند مادی در سوره ملک، بر عمل و وقوع امری دلالت دارد که با کنش‌هایی مانند

پدید آوردن، آزمودن، افکندن، شکافتن، تپیدن، هلاک کردن، آمدن، راه پیمودن، بال

گسترده، بال جمع کردن و... همراه است.

۲. فرآیند رابطه‌ای

پس از فرآیند مادی، فرآیند رابطه‌ای بیش‌ترین بسامد را در این سوره داراست. این

فرآیند، بیانگر انتقال مفاهیم و برقراری ارتباط میان شرکت‌کننده‌ها و غلبه عنصر

«توصیف» در متن گشته است. فرآیند رابطه‌ای در این متن، با فعل‌های «است» (۲۵)

مرتبه) و «بود» (۲مرتبه) دیده می‌شوند. مانند:

بزرگوار [او خجسته] است، آن که فرمانروایی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست (۱)
و کسانی که به پروردگارشان انکار آوردند، عذاب آتش جهنم خواهند داشت و چه بد سرانجامی است (۶)

۳. فرآیند کلامی

فرآیند کلامی در سوره ملک، ۱۶ مرتبه بسامد دارد که بیانگر پویایی ساختار این سوره است. مشارک اصلی این سوره، خداوند است و پیامبر، اولین مخاطب در این آیةها است. آیةهای ابتدایی، با فرمانروایی و حاکمیت مطلقه خداوند آغاز، سپس به عذاب کافران در جهنم اشاره شده است. روند گفتمان، در ابتدا به وسیله مأموران عذاب آغاز می‌گردد که با انداز و تهدید از کافران پرسش می‌کنند و سپس اعتراف آنان، روند گفتمان را کامل می‌سازد. در ادامه، خداوند، کافران و انسان‌ها را مورد خطاب خویش قرار می‌دهد و سپس نعمت‌هایی را که بر آنها ارزانی داشته است، یادآور می‌گردد. فرآیند کلامی در این سوره با فعل‌هایی نظیر «بگو» (۶ مرتبه)، «گفته شود» (۱ مرتبه)، «گویند» (۴ مرتبه)، «گفتیم» (۱ مرتبه)، «پرسند» (۱ مرتبه)، «تکذیب کردیم» (۲ مرتبه) و «اقرار می‌کنند» (۱ مرتبه) شکل یافته است.

گویند: چرا هشدار دهنده‌ای به سوی ما آمد، و [لی] تکذیب کردیم و گفتیم: خدا چیزی فرو نفرستاده است، شما جز در گمراهی بزرگ نیستید (۹)

پس به گناه خود اقرار می‌کنند و مرگ باد بر اهل جهنم (۱۱)

۴. فرآیند ذهنی

از میان فرآیندهای بکار رفته در سوره ملک، ۲۴ مورد فرآیند ذهنی است که با امور حسی، فکری و ذهنی در ارتباط هستند. فرآیند ذهنی بکار رفته در این سوره با فعل‌هایی نظیر دیدن، شنیدن، تعقل کردن، ترسیدن، ایمن شدن، دانستن، پافشاری کردن، کافر شدن، پناه دادن، ایمان آوردن، توکل کردن و... مشاهده می‌شوند.

یا کیست آن که به شما روزی دهد، اگر [خدا] روزی خود را [از شما] باز دارد [نه] بلکه در سرکشی و نفرت پافشاری کردند (۲۱)
از آن کس که در آسمان است، ایمن شده‌اید که بر [سر] شما تندبادی از سنگریزه فرو فرستد، پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است؟ (۱۷)

۵. فرآیند وجودی

این فرآیند که با «وجود داشتن» یا «اتفاق افتادن» یک چیز در ارتباط است، در سوره ملک، ۵ مرتبه بسامد داشته است. در این سوره، فعل‌های وجودی با ۳ فعل «هست، نیست و بود در معنای باقی ماندن»، به کار رفته است. مانند:
و گویند: اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم، در [میان] دوزخیان نبودیم (۱۰)
گویند: چرا، هشدار دهنده‌ای به سوی ما آمد و [الی] تکذیب کردیم و گفتیم: خدا چیزی فرو نفرستاده است، شما جز در گمراهی بزرگ نیستید (۹)

۶. فرآیند رفتاری

این فرآیند، ۴ مرتبه بسامد در این سوره بسامد داشته است. در این متن، نگرستن (۳ مرتبه) و درهم رود (۱ مرتبه)، فعل‌های رفتاری به شمار رفته‌اند. لازم به ذکر است که در مقابل فرآیند ذهنی دیدن، فرآیند رفتاری نگاه کردن و نگرستن را بر طبق نظریه هلیدی در متن لحاظ کرده‌ایم.
همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید، در آفرینش آن [خدای] بخشایشگر هیچ گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی، باز بنگر آیا خلل [و نقصانی] می‌بینی؟ (۳)
باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و درمانده به سویت بازگردد (۴)

فرانقش متنی

۱. ساختاری-آغازگرهای ساده و مرکب

پیکره تحقیق، شامل ۱۴۲ بند است که ۹۳ بند، دارای آغازگر ساده و ۴۹ بند، دارای آغازگر مرکب است که تفاوت معنی‌داری را در متن ایجاد کرده است؛ فراوانی آغازگر ساده بیانگر آن است که مفاهیم عالی قرآنی، اگر به صورت ساده مطرح شوند، تأثیر بسزایی در درک و فهم مخاطبان قرآنی خواهد داشت و اشتیاق آنان را، برای پیگیری آیه‌ها مضاعف خواهد ساخت.

با بررسی‌های به عمل آمده، از میان آغازگرهای مرکب، «آغازگر بینامتنی»، آغازگر غالب در ترجمه این سوره است. آغازگرهای بینامتنی بکار رفته، اغلب از نوع «ساختاری» هستند. حرف ربط «و» با ۲۰ مرتبه بسامد، بیش‌ترین سهم را در انسجام متنی این سوره داراست. در بندهای پیرو، حرف ربط «که»، با ۸ مرتبه بسامد، پس از حرف ربط «و» قرار گرفته است. از دیگر حروف آغازگر متنی می‌توان به یا (۷مرتبه)، اگر (۵مرتبه)، پس (۵مرتبه)، چون (۱مرتبه) و در حالی که (۱مرتبه) اشاره کرد. یکی دیگر از آغازگرهای بینامتنی بکار رفته در ترجمه این سوره، آغازگر افزوده ربطی با کارکرد تفصیلی است که فقط ۱ مرتبه، با واژه «با اینکه» در این ترجمه به کار رفته است.

آغازگر بینافردی، کم‌ترین بسامد را در این سوره داراست؛ آغازگر بینافردی، از نوع وجه‌نما و با کارکرد نقش‌گفتار است که فقط یک مرتبه با واژه «در حقیقت»، در ترجمه سوره ملک به کار رفته است. در زیر به شاهد مثال‌هایی از آغازگر مرکب اشاره کرده‌ایم.

جدول شماره ۱: آغازگرهای مرکب

پایان‌بخش	آغازگر		
	تجربی	بینافردی	متنی
تندبادی از سنگ‌ریزه فرو فرستد.	بر سر شما	----	که
بر هر چیزی تواناست.	او	----	و
به راز دل‌ها آگاه است.	وی	در حقیقت	----
خود باریک‌بین است.	او	----	با اینکه
اعتراف می‌کنند.	به گناه خود	----	پس

۲. بندهای بی‌نشان و نشان‌دار

با بررسی‌های انجام شده، اغلب بندها دارای آغازگر بی‌نشان هستند که این عامل، مبین آن است که ترتیب آرایش سازه‌ها در ترجمه سوره ملک، بر اساس زبان معیار فارسی انجام شده است. در ترجمه سوره ملک، ۳۰ بند دارای فاعلی آشکار و مابقی بندها، دارای فاعلی محذوف هستند. از آنجا که زبان فارسی، زبانی ضمیرانداز است، در شمارش بسامد وقوع بندهای بی‌نشان، این امر نیز، مورد توجه و فاعل‌های محذوف مورد شمارش قرار گرفته است. از مجموع ۱۴۲ بند، ۸ بند دارای آغازگر نشان‌دار هستند که ۷ مورد آن با تقدّم مفعول بر فاعل و یک مورد، تقدّم فعل بر فاعل در ترجمه به کار رفته است.

جدول شماره ۲: آغازگر بی‌نشان

پایان‌بخش	آغازگر بی‌نشان
بر هر چیزی تواناست.	او
صرفاً هشدار دهنده‌ای آشکارم.	من
جز گرفتار فریب نیستند.	کافران
جز در گمراهی بزرگ نیستید.	شما

جدول شماره ۳: آغازگر نشان‌دار

پایان‌بخش	آغازگر نشان‌دار
آمزش و پاداشی بزرگ خواهد بود.	آنان را
مورد رحمت قرار دهد.	ما را
بر اهل جهنّم.	مرگ باد

غیر ساختاری-انسجام

انسجام واژگانی

انسجام واژگانی، یکی از ابزارهای مهم در ایجاد متنیت و بافت یک متن است. «این نوع انسجام، مبتنی بر رابطه‌ای است که واحدهای واژگانی زبان به لحاظ محتوای معنایی‌شان با یکدیگر دارند و متن به واسطه این روابط می‌تواند، تداوم و انسجام به خود

بگیرد» (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۶۴). انسجام واژگانی، یک رابطه معنایی را در متن بنیاد می‌نهد. انسجام واژگانی را به ۲ دسته «بازآیی و باهم‌آیی» تقسیم کرده‌اند که هر یک دارای زیر شاخه‌هایی هستند؛ «بازآیی»، به ۵ زیر شاخه؛ هم‌معنایی، تضاد معنایی، شمول معنایی، رابطه جزء و کل و تکرار و «باهم‌آیی»، به ۴ زیر شاخه؛ باهم‌آیی هم‌نشینی، باهم‌آیی متداعی، باهم‌آیی فعل با فعل و باهم‌آیی صفت با صفت تقسیم گردیده است که در زیر به تبیین هر کدام از آن عناصر، در انسجام متنی ترجمه سوره ملک پرداخته‌ایم.

انسجام واژگانی - باز آیی

۱. هم‌معنایی (synonymy)

این رابطه زمانی رخ می‌دهد که «دو واژه به جای یکدیگر به کار روند، اما در معنای زنجیره گفتار تغییری حاصل نشود، می‌توان آن دو واژه را هم‌معنا قلمداد کرد. البته، این را نباید از نظر دور داشت که هم‌معنایی مطلق، در هیچ زبانی یافت نمی‌شود» (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۰۶). مولفه هم‌معنایی، ۳ مرتبه در این ترجمه بسامد داشته است. مانند: واژه‌های «اختلاف و تفاوت» «خلل و نقصان» و «زبون و درمانده» در آیه‌های زیر:

همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید، در آفرینش آن [خدای]
بخشایشگر هیچ گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی، بازبنگر. آیا خلل [و
نقصانی] می‌بینی؟ (۳)

باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و درمانده به سویت بازگردد (۴)

۲. تضاد معنایی (antonymy)

تضاد معنایی، به رابطه‌ای گفته می‌شود که دو صورت زبانی به لحاظ معنی، متضاد یکدیگر باشند و در تقابل با یکدیگر قرار گیرند. تضاد معنایی، ۶ مرتبه در این ترجمه به کار رفته است. مانند:

همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان
نیکوکارترید و اوست ارجمند آمرزنده (۲)

و [اگر] سخن خود را پنهان دارید یا آشکارش نمایید در حقیقت وی به راز دل‌ها آگاه است (۱۳)

۳. شمول معنایی (hyponymy)

شمول معنایی، یکی دیگر از مولفه‌های انسجام است. «چنانچه مفهومی بتواند، یک یا چند مفهوم دیگر را شامل شود، رابطه شمول معنایی مطرح می‌شود. این رابطه در واقع، رابطه یک مفهوم و مفهوم‌های تحت شمول آن است. واژه‌ای که مفهومش، واژه‌های دیگر را در بر می‌گیرد، واژه شامل (Superordinate) و واژه‌ای که بر مفاهیم تحت شمول دلالت دارد، زیرشمول (Hyponym) نامیده می‌شود. واژه‌های زیر شمول نیز، نسبت به یکدیگر واژه‌های هم‌شمول (Co-hyponym) تلقی می‌شوند» (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۰۱-۱۰۰). شمول معنایی، فقط ۱ مرتبه در این ترجمه به کار رفته است؛ در آیه زیر، واژه «آسمان»، واژه شامل و «چراغ‌ها یا ستارگان»، برای آسمان، واژه زیر شمول به شمار رفته‌اند. و در حقیقت آسمان دنیا را با چراغ‌هایی زینت دادیم و آن را، مایه طرد شیاطین [= قوای مزاحم] گردانیدیم و برای آن‌ها عذاب آتش فروزان آماده کرده‌ایم (۵)

۴. رابطه جزء و کل (meronymy)

به رابطه‌ای گفته می‌شود که «اشاره بر مناسبات میان برخی از واحدهای واژگانی دارد که به لحاظ معنایی، جزئی از برخی دیگرند» (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۶۵). رابطه جزء و کل، ۲ مرتبه در این سوره بسامد داشته است. مانند:

آیا در بالای سرشان به پرندگان ننگریسته‌اند [که گاه] بال می‌گسترند و [گاه] بال می‌زنند، جز خدای رحمان [کسی] آن‌ها را نگاه نمی‌دارد، او به هر چیزی بیناست (۱۹)

و در حقیقت آسمان دنیا را با چراغ‌هایی زینت دادیم و آن را مایه طرد شیاطین [= قوای مزاحم] گردانیدیم و برای آن‌ها عذاب آتش فروزان آماده کرده‌ایم (۵)

۵. تکرار (repetition)

این مؤلفه، زمانی در یک متن به وجود می‌آید که واژه‌ای عیناً در یک متن تکرار شده باشد. «تکرار در قرآن کریم، برای تأکید معانی مختلف و تثبیت مفاهیم در نفوس بشری صورت گرفته است» (بابازاده اقدم و فیوروقی، ۱۳۹۸: ۳۱۵). تکرار، یکی از عناصر پیوستگی و انسجام متن است که در سوره ملک ۱۰۷ مرتبه به کار رفته است و به ۴ دسته تقسیم می‌شود:

۱. تکرار فعل: پدید آورد (۳ مرتبه)، می‌رود (۲ مرتبه)، دید و نگریستن (۶ مرتبه)، بگو (۱۱ مرتبه)، تکذیب کردیم (۲ مرتبه)، شنیدیم (۲ مرتبه)، است (۲۸ مرتبه) و ایمن شده‌اید (۲ مرتبه).
۲. تکرار اسم: خداوند (۳ مرتبه)، زمین (۳ مرتبه)، آسمان (۴ مرتبه)، روزی (۳ مرتبه)، آب (۲ مرتبه)، کافر (۲ مرتبه)، جهنم (۲ مرتبه) و عذاب (۳ مرتبه).
۳. تکرار ضمیر: من (۴ مرتبه)، او (۵ مرتبه)، شما (۹ مرتبه) و خود (۳ مرتبه).
۴. تکرار صفات: گمراهی (۲ مرتبه)، آمرزنده و آمرزش (۲ مرتبه) و بخشایشگر (۴ مرتبه).

انسجام واژگانی - باهم‌آیی

باهم‌آیی، عبارت است از «ارتباط میان کلمه‌هایی که به یک حوزه معنایی تعلق دارند. وجود این گونه ارتباط معنایی میان کلمه‌هایی که با هم در یک متن واقع می‌شوند، باعث بوجود آمدن انسجام متن می‌گردد» (لطفی پور ساعدی، ۱۳۸۷: ۱۹۶).

۱. باهم‌آیی هم‌نشینی

به کلمه‌هایی که به یک حوزه معنایی تعلق دارند و بر روی محور هم‌نشینی، کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، باهم‌آیی هم‌نشینی گفته می‌شود. این مؤلفه، ۲ مرتبه در این ترجمه به کار رفته است. در آیه زیر، واژه‌های «چراغ‌ها (ستارگان)، شیاطین و عذاب آتش فروزان»، به یک حوزه معنایی یعنی «مجازات شیاطین توسط خداوند» اشاره دارد.

و در حقیقت آسمان دنیا را با چراغ‌هایی زینت دادیم و آن را مایه طرد شیاطین [= قوای مزاحم] گردانیدیم و برای آن‌ها، عذاب آتش فروزان آماده

کرده‌ایم (۵)

در آیه زیر، واژه‌هایی نظیر؛ «خشم، شکافته شدن و نگاهبانان دوزخ»، متعلق به یک حوزه معنایی یعنی «مجازات کافران» است.

نزدیک است که از خشم شکافته شود، هر بار که گروهی در آن افکنده شوند، نگاهبانان آن از ایشان پرسند، مگر شما را هشدار دهنده‌ای نیامد(۸)

۲. باهم‌آیی متداعی

باهم‌آیی متداعی، در ساختار یک متن، سبب انسجام میان عناصر یک متن می‌گردد. «بحث درباره باهم‌آیی واژگانی را به تداعی مفهوم یک واحد واژگانی نیز می‌توان بسط داد. در چنین شرایطی، انتخاب واحدهای هم‌حوزه و ترکیبشان را بر روی محور هم‌نشینی، می‌توان باهم‌آیی متداعی فرض کرد. به این ترتیب، کاربرد واژه‌هایی نظیر؛ ابر، باد، ماه و خورشید یا سیب، پرتقال، خیار، نارنگی و... در کنار هم، در قالب باهم‌آیی متداعی امکان طرح خواهد یافت. در سنت بررسی صناعات ادبی، کاربرد واژه‌هایی که در باهم‌آیی متداعی با یکدیگرند، «مراعات‌النظیر» نامیده می‌شوند» (صفوی، ۱۳۸۲: ۱۰).

مانند:

همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید، در آفرینش آن [خدای]
بخشایشگر هیچ گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی، باز بنگر آیا خلل [و
نقصانی] می‌بینی (۳)

در این آیه، «هفت آسمان»، ترکیب اسم و صفت است. عدد هفت، عددی مقدس و آیینی است. «عدد هفت، نمودار هفت حالت ماده، هفت مرتبه خودآگاهی و هفت مرتبه کامل است» (دلشوی، ۱۳۸۶: ۲۱۳). «برخی معتقدند که آدم در ساعت چهار، صاحب نفس شد و در ساعت هفت، حوا از پیکر او به وجود آمد» (ستاری، ۱۳۷۳: ۱۶۸). در روایات اسلامی نیز، بر هفت طبقه آسمان و هفت طبقه دوزخ اشاره شده است. هفت آسمان و طبقه طبقه بودن آن، با یکدیگر مراعات‌النظیر دارند و متعلق به یک حوزه معنایی هستند. این مؤلفه، ۷ مرتبه در این ترجمه به کار رفته است.

در آیه ۵، «آسمان دنیا و چراغ‌ها»، در آیه ۶، «زمین و تپیدن (زلزله)»، در آیه ۱۷، «آسمان و سنگ‌ریزه‌ها (طوفان شن)»، در آیه ۱۹، «پرنده‌گان و بال»، در آیه ۱۳، «گوش،

دیدگان و دل‌ها» و در آیه ۱۴ «چهره‌ها و در هم رفتن آن (اخم کردن)»، همگی در محور هم‌نشینی با یکدیگر تناسب دارند.

۳. باهم‌آیی فعل با فعل

در این باهم‌آیی، دو فعل پشت سر هم و در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند که به باهم‌آیی منجر می‌شوند و در انسجام متن، نقش مؤثری ایفا می‌کنند. «این گونه خاص از باهم‌آیی، به وقوع فعل‌های ردیفی در جمله می‌انجامد» (صفوی، ۱۳۸۲: ۹). این کارکرد، ۶ مرتبه در ترجمه به کار رفته است. مانند:

گویند: چرا هشدار دهنده‌ای به سوی ما آمد و [الی] تکذیب کردیم و گفتیم: خدا چیزی فرو نفرستاده است، شما جز در گمراهی بزرگ نیستید (۹) و گویند: اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم، در [میان] دوزخیان نبودیم (۱۰)

۴. باهم‌آیی صفت با صفت

در این نوع باهم‌آیی، دو صفت در کنار یکدیگر و بر روی محور هم‌نشینی قرار می‌گیرند و با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و در رابطه هم‌نشینی با واژه‌های دیگر معنی می‌یابند. این مؤلفه، ۶ مرتبه در این ترجمه بسامد داشته است. مانند:

یا کیست آن که به شما روزی دهد اگر [خدا] روزی خود را [از شما] بازدارد [نه] بلکه در سرکشی و نفرت پافشاری کردند (۲۱)

همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید و اوست ارجمند آمرزنده (۲)

انسجام دستوری

۱. جایگزینی (substitution)

جایگزینی، یکی دیگر از انواع روابط انسجام متنی است که «گاهی یک عبارت یا یک اصطلاح و یا حتی یک کلمه، جایگزین یک جمله و باعث پیوستگی متن می‌شود. مانند:

احمد، فوتبال را بیش‌تر دوست دارد، علی هم همین‌طور. یعنی، علی هم فوتبال را بیش‌تر دوست دارد» (تاکلی، ۱۳۷۸: ۱۳۵). جایگزینی، ۱۲ مرتبه در این ترجمه به کار رفته است. مانند: در آیه زیر، ضمیر اشاره «آن»، جایگزین واژه هفت آسمان گشته است.

همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید، در آفرینش آن، [خدای] بخشایشگر هیچ‌گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی، بازبنگر، آیا خلل [و نقصانی] می‌بینی؟ (۳)

در آیه زیر، ضمیر «آن‌ها»، جانشین پرندگان شده است.

آیا در بالای سرشان به پرندگان ننگریسته‌اند [که گاه] بال می‌گسترند و [گاه] بال می‌آند، جز خدای رحمان [کسی] آن‌ها را نگاه نمی‌دارد، او به هر چیزی بیناست (۱۹)

۲. حذف (ellipsis)

حذف، عدم ذکر هر یک از اجزا در سازه‌های کلامی یک متن است. «فرآیند حذف، زمانی صورت می‌گیرد که ما در متن خویش، یک عنصر پیش‌انگاشت داشته باشیم، یعنی چیزی که قبلاً ذکر شده و شناسانده شده باشد و مرجع آن، پیش از خود آن آمده باشد. میان عامل انسجامی حذف و جانشینی تفاوت وجود دارد؛ در جانشینی، عنصری به جای عنصر دیگری در متن می‌نشیند، اما در حذف به جای عنصر محذوف، عنصر دیگری نمی‌آوریم و به اصطلاح زبان‌شناسان، صفر، جانشین آن می‌شود» (Halliday & Hassan, 1976: 88 & 144).

عامل انسجامی حذف در سوره ملک، با توجه به قرینه و بافت متن ۹ مرتبه رخ داده است که این عامل، هیچ‌گونه خللی در بافت متن ایجاد نکرده است، بلکه سبب ایجاز و پرهیز از هرگونه اطنابی که مخل فصاحت باشد، گشته است.

در آیه زیر، فعل «پدید آورد»، به قرینه لفظی برای مرگ حذف شده است. یعنی، همان که مرگ را پدید آورد و زندگی را پدید آورد.

همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید و اوست ارجمند آمرزنده (۲)

در آیه زیر، «سخن خود را»، به قرینه لفظی از جمله دوم حذف شده است؛ یعنی، سخن خود را آشکارش نمایید.
و [اگر] سخن خود را پنهان دارید یا آشکارش نمایید، در حقیقت وی به راز دل‌ها آگاه است (۱۳)

۳. ادات ربط (conjunctions)

ادات ربط، همانطور که از نامشان پیداست، دو جمله را به یکدیگر پیوند می‌دهند و رابطه معنایی گوناگونی را در زنجیره‌های کلام ایجاد می‌کنند. ادات ربط، بر ۳ گونه است: «۱. ساده. مانند: و، که، تا، اگر، چون، چه، اما، ولی، پس، زیرا، لکن، یا، برای و... ۲. مرکب. مانند: اگرچه، با اینکه، از آنجا که، از بس که، برای اینکه، چون که، در صورتی که، با وجود اینکه و... ۳. تکواژ گسسته که خود بر ۲ نوع است: ۱. تکراری. مانند: چه... (و) چه، خواه... (و) خواه، نه... (و) نه و... ۲. غیر تکراری. مانند: نه تنها... بلکه، اگرچه... ولی و...» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۶: ۱۱۳). با بررسی‌های انجام شده در ترجمه سوره ملک، از میان ادات ربط مذکور، فقط دو نقش‌نمای ساده و مرکب را در ترجمه این سوره یافتیم که ۴۶ مرتبه بسامد داشته است و در زیر به هر یک از آن‌ها اشاره کرده‌ایم:

ادات ربط ساده: از ادات ربط ساده می‌توان به واو (۲۲ مرتبه)، پس (۵ مرتبه)، چون (۱ مرتبه)، تا (۲ مرتبه)، که (۷ مرتبه)، اگر (۳ مرتبه) و یا (۴ مرتبه) می‌توان اشاره کرد.

باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و درمانده به سویت باز گردد (۴)

بگو به من خبر دهید، اگر خدا مرا و هر که را با من است هلاک کند یا ما را مورد رحمت قرار دهد، چه کسی کافران را از عذابی پر درد پناه خواهد داد (۲۸)

ادات ربط مرکب: از ادات ربط مرکب می‌توان، به در حالی که (۱ مرتبه) و با اینکه (۱ مرتبه) اشاره کرد.

چون در آنجا افکنده شوند، از آن خروشی می‌شنوند، در حالی که می‌جوشد (۷)

نتیجه بحث

در زبان‌شناسی نقش‌گرا، زبان، نظامی اجتماعی و مهم‌ترین ابزار جهت انتقال معنی و مفهوم و ارتباط میان سطوح مختلف یک جامعه است. از میان زبان‌شناسان نقش‌گرا، می‌توان به هلیدی اشاره کرد که آرای او، رستاخیزی در مطالعات میان رشته‌ای ایجاد کرده است و به وسیله نظریه او می‌توان، نظام و ساخت‌های عناصر زبانی را در یک متن تفسیر کرد.

در دستور نقش‌گرای هلیدی، زبان دارای سه فرانقش اندیشگانی، بینافردی و متنی است که تحقیق حاضر از میان سه فرانقش، به بررسی دو فرانقش اندیشگانی و متنی در ترجمه سوره ملک پرداخته است. در فرانقش اندیشگانی، وقوع فرآیندها، نشانگر نگاه گوینده یا نویسنده به جهان پیرامون خویش، وقایع و تفکر وی، نسبت به دنیای بیرون است که با بررسی این عنصر، می‌توان به سبک شخصی گوینده یا نویسنده دست یافت. با بررسی‌های انجام شده، فرآیند مادی، بیش‌ترین بسامد را در ترجمه سوره ملک داشته است که خداوند، تصویری عینی و ملموس از آفرینش نظام خلقت را در برابر چشمان انسان به تصویر کشیده است تا او بداند که جهان بیهوده خلق نگشته است و همگان در روز قیامت برانگیخته خواهند شد تا جابجایی اعمال خویش در دنیا باشند. ارائه تصویری از مجازات کافران در جهنم نیز، جز در سایه فرآیند مادی امکانپذیر نیست و آن را می‌توان، مهم‌ترین مشخصه سبکی این سوره به شمار آورد. پس از فرآیند مادی، فرآیند رابطه‌ای با ۲۷ مورد در این سوره به کار رفته است که با استفاده از این عنصر، می‌توان به توصیف جایگاه دوزخیان پرداخت، و نیز می‌توان، از این فرآیند، برای ارتباط میان دیگر فرآیندها سود جست. بنابراین، فرآیند مادی، بیش‌ترین بسامد و فرآیند رفتاری، کم‌بسامدترین فرآیند بکار رفته در این سوره است.

بسامد انواع فرآیندهای بکار رفته در این سوره عبارت‌اند از: ۱. مادی (۳۰ مرتبه)، رابطه‌ای (۲۷ مرتبه)، ذهنی (۲۴ مرتبه)، کلامی (۱۶ مرتبه)، وجودی (۵ مرتبه) و رفتاری (۴ مرتبه).

هلیدی، برای واکاوی یک متن، آن را به دو بخش ساختاری و غیر ساختاری تقسیم کرده است؛ او، در بخش ساختاری، بر ساخت آغازگر- پایان بخش هر بند تأکید فراوان

دارد. از آنجا که یک متن، شامل بندهای مختلف است، آن را به عنوان یک واحد ارتباط کلامی در نظر گرفته و آغازگرهای ابتدایی هر بند را مورد بررسی سبکی قرار داده‌ایم. با بررسی‌های انجام شده در ترجمه سوره ملک، کاربرد آغازگر ساده، بیش از آغازگر مرکب است. در میان آغازگرهای مرکب، آغازگر بینامتنی، بسامد فراوانی نسبت، به آغازگر بینافردی دارد. توالی آغازگر متنی- تجربی، رایج‌ترین گونه توالی بکار رفته در ترجمه سوره ملک است. در آغازگر بینامتنی، کارکرد ساختاری بیش‌ترین بسامد را در این سوره داراست. ترتیب آرایش سازه‌ها، در این سوره به گونه‌ای است که اغلب بندها، از نوع بی‌نشان هستند. بسامد وقوع فاعل، چه به صورت آشکار و چه به صورت محذوف، در جایگاه آغازین چشمگیر می‌باشد. در آغازگر نشان‌دار، وقوع مفعول در جایگاه آغازین جمله بیش‌تر است.

بخش غیر ساختاری، شامل انسجام است؛ انسجام، ابزاری مهم در جهت شناسایی یک متن از غیر متن است. از میان ۳ انسجام دستوری (۶۷ مرتبه)، بازآیی (۱۲۱ مرتبه) و باهم‌آیی (۲۱ مرتبه)، انسجام بازآیی، بیش‌ترین بسامد و انسجام باهم‌آیی، کم‌ترین بسامد را در این ترجمه به خود اختصاص داده است. در انسجام واژگانی، واژه‌ها، زنجیره‌ای هم‌طبقه را با یکدیگر تشکیل داده‌اند که این زنجیره‌ها در تعامل با یکدیگر، سبب ایجاد انسجام و وحدت موضوع در متن گشته‌اند. در انسجام بازآیی، عنصر تکرار، بیش‌ترین بسامد و شمول معنایی، دارای کم‌ترین کاربرد است. در مؤلفه تکرار، تکرار «فعل»، بسامد فراوانی را در این ترجمه به خود اختصاص داده است. در انسجام دستوری، «ادات ربط»، بیش‌ترین بسامد را داراست که سبب پیوستگی و اتصال واژه‌ها و بندها گشته و در نهایت، کلیتی واحد را در سراسر ترجمه سوره ایجاد کرده است. از ادات ربط بکار رفته، حرف عطف «واو»، بسامد بیش‌تری را به خود اختصاص داده است. در انسجام باهم‌آیی، باهم‌آیی متداعی بیش‌ترین بسامد و باهم‌آیی هم‌نشینی، کم‌ترین بسامد را در این سوره داشته است.

کتابنامه

قرآن کریم

- آقاگل‌زاده، فردوس. ۱۳۹۴ش، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- تولان، مایکل. ۱۳۸۶ش، روایت‌شناسی؛ درآمدی زبان‌شناختی - انتقادی، ترجمه سیده فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، تهران: سمت.
- دلاشو، م. لوفلر. ۱۳۸۶ش، زبان رمزی قصه‌های پریوار، ترجمه جلال ستّاری، تهران: توس.
- ستّاری، جلال. ۱۳۷۳ش، درد عشق زلیخا، تهران: توس.
- صفوی، کوروش. ۱۳۸۷ش، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: سوره مهر.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم. ۱۳۸۷ش، درآمدی بر اصول و روش ترجمه، تهران: نشر دانشگاهی.
- مهاجر، مهران و نبوی، محمد. ۱۳۹۳ش، به سوی زبان‌شناسی شعر، تهران: آگه.
- وحیدیان کامیار، تقی. ۱۳۸۶ش، دستور زبان فارسی (۱)، تهران: سمت.
- هلیدی، مایکل و حسن، رقیه. ۱۳۹۳ش، زبان، بافت و متن، تهران: سیاه‌رود.

مقالات

- اعلایی، مریم و همکاران. ۱۳۸۹ش، «بررسی تبادل معنا در کتاب‌های درسی علوم انسانی در چارچوب دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی از منظر فرانش بین‌افردی (رویکرد نقش‌گرا)»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۷، صص ۲۳۳-۲۱۱.
- اعلایی، مریم. ۱۳۸۸ش، «بررسی فرانش متنی کتاب‌های درسی علوم انسانی سازمان مطالعه و تدوین (سمت)»، عیار، ش ۲۲، صص ۱۱۳-۹۲.
- اورکی، غلام حسن و همکاران. ۱۳۹۵ش، «بررسی تطبیقی عناصر انسجام متنی در سوره مبارکه ناس و ترجمه فارسی آن بر پایه نظریه انسجام متن هلیدی و حسن»، معارج، س ۲، ش ۱، صص ۱۴۰-۱۲۹.
- ایشانی، طاهره و معصومه نعمتی. ۱۳۹۲ش، «بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ش ۲۷، صص ۹۶-۶۵.
- بابازاده اقدم، عسگر و فاطمه فیروزی. ۱۳۹۸ش، «سبک‌شناسی سوره نازعات»، مطالعات قرآنی، ش ۳۷، صص ۳۱۱-۳۳۶.
- تاک، گیتی. ۱۳۷۸ش، «پیوستگی و هم‌بستگی متن در زبان فارسی»، زبان‌شناسی، ش ۲۸ و ۲۷، صص ۸۱-۷۳.

- صفوی، کوروش. ۱۳۸۲ش، «پژوهشی درباره باهم‌آیی واژگانی در زبان فارسی»، زبان و ادب دانشگاه علامه طباطبایی(ره)، ش ۱۸، صص ۱-۱۳.
- عزیزخانی، مریم و همکاران. ۱۳۹۶ش، «کاربست دستور نقش‌گرای هلیدی بر سوره انشراح»، پژوهش‌های ادبی- قرآنی، س ۵، ش ۴، صص ۶۹-۹۵.

Bibliography

The Holy Quran.

- Aghagolzadeh, Ferdows. 2015. Critical Discourse Analysis. Tehran: Scientific and cultural.
- Alaei, Maryam. 2009. A Study of the Textual Development of Humanities Textbooks for the Study and Editing Organization. Ayyar. Vol. 22. Pp. 92-113.
- Alaei, Maryam & etc. 2010. Investigating the Exchange of Meaning in the Humanities Textbooks in the Framework of Systematic Holistic Functional Grammar from the Viewpoint of Interpersonal Transcendence (Role-Based Approach). Persian Language and Literature Research. Vol. 17. Pp. 211-233.
- Aziz Khani, Maryam & etc. 2017. Applying the Holistic Functional Order to Surah Anshar. Qur'anic literary research. Vol. 4. Pp. 69-95.
- Babazadeh Aghdam, Asgar & Firooraghi, Fatemeh. 2019. The stylistics of the Naaze'at Surah Quranic Studies. Vol. 37. Pp. 311-336.
- Bloor, T & Bloor, M. 1997. The Functional Analysis of English A Halliday Approach. London: Arnold.
- Delasho, M. & Loofer. 2007. The secret language of Fairy tales. Translated by Jalal Sattari. Tehran: Toos Pub.
- Eggs, S. 2007. An Introduction to Systemic Functional Linguistics. Reprinted: New York.
- Halliday, M. A.K. & Hassan, R. 1976. Cohesion in English. London: Longmans.
- Halliday, M. A.K. 1978. language as Social Semiotics. London: Edward Arnold.
- Halliday, M. A.K. & Matthiessen, Ch. 2004. Introduction to Functional Grammar. 3 Edition. Hodder Arnold: Publishers Ltd. Britain.
- Halliday, M.A.K. . 2004. An Introduction to Functional Grammar. London. Edward Arnold.
- Halliday, M. & Hasan, R. 2014. Language, Texture and Text. Tehran: Siyahrood.
- Ishani, Tahereh & Nemati, Masoumeh. 2013. A Survey of Coherence and Continuity in Al-Ghasr Surah with a Functional Linguistic Approach. Iranian Association of Arabic Language and Literature. Vol. 27. Pp. 65-96.
- Lotfi poor Saedi, Kazem. 2008. An Introduction to the Principles and Method of Translation. Tehran: Academic publication.
- Mohajer, Mehran & Nabavi, Mohammad. 2014. Towards the linguistics of poetry. Tehran: Agah Pub
- Oraki, Qolamhossein & etc. 2016. A Comparative Study of Textual Cohesion Elements in Naas Surah and its Persian Translation Based on Holiday and Hassan Text Coherence Theory. Maarej. Vol. 1. Pp. 129-140.

- Safavi, Koroush. 2003. A study of lexical coherence in Persian. *Language and Literature of Allameh Tabataba'i University*. Vol. 18. Pp. 1-13.
- Safavi, Koroush. 2008. *An Introduction to Semantics*. Tehran: Sureh Mehr Pub.
- Sattari, Jalal. 1994. *Zoleykha Love Pain*. Tehran: Toos.
- Simpson, P. 2004. *Stylistics: A Resource Book for Students*. London: Routledge.
- Taki, Gity. 1999. Text correlation and correlation in Persian. *Linguistics*. Vol. 27 & 28. Pp. 73-81.
- Thompson, G. 2004. *Introducing Functional Grammar*. 2 Edition. New York: Hodder Arnold.
- Tolan, Micheal. 2007. *Narrative; Linguistic Introduction – Critical*. Translated by Fatemeh Alavi & Fatemeh Nemati. Tehran: Samt.
- Vahidiyan Kamyar, Taghi. 2007. *Persian Grammar (1)*. Tehran: Samt.

A Study on Speculative and Textual Meta Functions of Translation of Mulk Surah

Khadijeh Bahrami Rahnama

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Yadegar Imam Khomeini Branch, Shahr – e Rey, Tehran

Abstract

Functionalism approach is a tool to transfer meaning in order to make relationship between society's individuals. From theorists' viewpoint Micheal Halliday could be pointed out whose ideas are based on lingual elements rather than their appearance. Structure of Holy Quran is such that it can be analyzed from different angles, including the role-oriented approach. Therefore, the present study of Al-Mulk Surah, based on Halliday's theory is examined. This research, by descriptive-analytical method, has analyzed all kinds of processes, initiators and textual coherence in Mulk Surah. The results of the research indicate that in the role of thought, the material process is the most used process in the text that God has tried to realize the power and knowledge of man by describing the amazing system of creation. The simple primer is the dominant primer used in this surah, and most of the verses also have a primer between them. Among the compound primers, the intertextual primer has the highest frequency in this Surah.

Keywords: thought paradigm, text, coherence, vocabulary, grammar.